

وهرآئینه پروردگار تو حکم کند درمیان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف میکردند^(۱) (۱۲۴) .

دعوت کن (یعنی مردمان را) بسوی راه پروردگار خویش به دانش و پندنیک و مناظره کن با ایشان به طریقی که وی نیک است هرآئینه پروردگار توداناترست به کسیکه گمراه شد از راه او و اودانا تراست براه یابان (۱۲۵) .

و اگر مکافات کنی پس مکافات کنی به مثل آنچه باشما معامله کرده شد و اگر صبر کنی هر آئینه آن صبر بهترست صابران را (۱۲۶) .

و شکیبائی کن و نیست شکیبائی تو مگر به توفیق خدا و اندوه مخور برایشان و مباح در تنگدلی از آنکه بد اندیشی می کنند (۱۲۷) .

هرآئینه خدا با پرهیز گاران است و با آنانکه ایشان نیکوکارانند (۱۲۸) .

سوره الاسراء مکی است و آن يك صدویازده آیت و دوازده ركوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

پاك است آنكه ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی که

لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِمَّا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۳۷﴾

أذُرُّ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالنُّوعِظَةَ الْحَسَنَةَ
وَجَادِلْهُمْ بَالِغًا هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَهِينَ ﴿۳۸﴾

وَأَنَّ عَاقِبَتُكُمْ تَعَاقِبُ آبَائِكُمْ مَأْجُومٌ بِهِمْ وَلَئِنْ
صَبَرْتُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّلظَّالِمِينَ ﴿۳۹﴾

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ
فِي صَبْرِكَ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿۴۰﴾

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿۴۱﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ

(۱) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند در شبانه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روز شبانه از خلق فارغ شد پس در شبانه عبادت باید کرد و طائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روز شبانه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم .

برکت نهادیم گرداگرد آن تا بنمائیمش
بعض نشانه های خودهرآئینه اوست
شنواینا^(۱) (۱) .

ودادیم موسی را کتاب و ساختیمش
هدایت بنی اسرائیل را گفتیم که نگیرید
بجز من کارسازی (۲) .

فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را
بانوح (یعنی برکشتی) هرآئینه وی بودبنده
سپاسگذار (۳) .

ووحی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل
درتورات که البته فساد خواهید کرد در
زمین دویاروالبته طغیان خواهید کرد بسر
کشی بزرگ (۴) .

پس چون بیاید وعده نخستین بارازآن
دو، بفرستیم بر شما بندگان خودرا
خداوندان کارزار سخت پس درآیند میان
خانه ها (یعنی برای قتل و نهب) وهست
وعده خداشدنی^(۲) (۵) .

بازدهیم شمارا غلبه برایشان وپی درپی
دهیم شمارا اموال و فرزندان و سازیم
شمارا بیشتر باعتبار لشکر^(۳) (۶) .

و گوئیم ا گر نیکوکاری کنید نیکوکاری
کرده باشید برای خویشان و گر

الصَّامِرِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَخْضَاءِ الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ
آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ الشَّيْبِيُّ الْبَصِيرُ ①

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ
الَّذِينَ آمَنُوا مِن دُونِي وَكَذَلِكَ ②

ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُورٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ③

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتَقْعُدَنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرْثَمِينَ وَتَلْعَلْنَ عَلَاةً كَثِيرًا ④

وَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لِّأُولِي بَابِ
شَدِيدِينَ فَجَاءُوا طَائِفًا لِّالْبَيْتِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ⑤

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ
وَءَبْنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نُفُورًا ⑥

إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنُتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ ۖ وَإِن أَسَأْتُمْ فَلَهَا
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ لَئِيَسُوْءَ أَوْجُوهِكُمْ وَلِيَدَّخُلُوا

(۱) یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از صعود بر آسمان ها آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بمسجد بیت المقدس رسانید .

(۲) مترجم گوید و این وعده متحقق شد بتسلیط جالوت پادشاه عمالقه .

(۳) مترجم گوید و این معنی در خلافت حضرت داؤد ظاهر شد .

بدکاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعده دیگر بازفرستیم بندگان خودرا تا ناخوش سازند روی های شمارا وتادرایند بمسجد چنانچه درآمده بودند اول بار وتا از بابا فگنند بر هرچه غالب شوند افگندنی^(۱) (۷) .

گوئیم نزدیک است پروردگار شما از آنکه رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید به نافرمانی ما رجوع کنیم بعقوبت وساختیم دوزخ را برای کافران زندان^(۲) (۸) .

هرآئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست و بشارت میدهد آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بآن که ایشانرا باشدمزد بزرگ (۹) .

واینکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آماده کرده ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده (۱۰) .

ودعامیکند آدمی به بدی^(۳) مانند دعای وی به نیکویی وهست آدمی شتاب کار (۱۱) .

وساختیم شب و روز را دونشانه پس بی

السَّجْدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيُنذِرُوا مَا عَلَوْنَا بِهِ مِنْ

عَلَىٰ رَبِّكَ أَنْ يَرْصَلَكَ وَأَنْ عُدْتُمْ عَدَاَنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ
لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۝

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هُوَ أَقْوَمُ وَيُنذِرُ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الظُّلُمَاتِ إِنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

وَيَذُرُّ الْإِنْسَانُ بِالْقُرْءَانِ غَافِلًا بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝

وَجَعَلْنَا آيَاتٍ وَاللَّهُ بِآيَاتِنَا فَخِيرٌ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝

(۱) مترجم گوید واین وعده متحقق شد وقتیکه حضرت یحییٰ راکشتند پس بخت نصررامسلط ساخت .

(۲) مترجم گویدایشان عود کردند بفساد وتکذیب حضرت عیسیٰ وحضرت پیغامبرجنگ کردند با اوپس خدای تعالی عود فرمودبتعذیب ایشان بقتل واسرو جزیه .

(۳) مترجم گوید یعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدمیکند .

الْيَوْمَ مَبْرُورَةً لِّتُبْعُوا أَفْضَالَ مَنْ أَرْبَاهُمْ وَلَعَلَّكُمْ أَعْدَادَ الَّذِينَ
وَالْحَسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَضْلَانُهُ تَفْصِيلًا ﴿۱۲﴾

وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِفَةٌ فِي عُرُوقِهِ وَمُخْرَجٌ لَّهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَتْلُوهُ مَنْشُورًا ﴿۱۳﴾

إِقْرَأْ كِتَابَكَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿۱۴﴾

مِنْ أَهْتَدَىٰ فَأَلَمَّا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَأَلَمَّا ضَلَّ عَلَيْهَا

وَلَا تُؤْزِرُونَ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ

رُسُلًا ﴿۱۵﴾

وَلِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمْرًا مُتَرَفِّعًا فَفَسَقُوا فِيهَا

فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَذَمَّرْنَاهَا تَمِيرًا ﴿۱۶﴾

وَكُلًّا هَلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكُلِّي يَرَوِّكَ

يَذُوبُ عِبَادَةً ذَلِيلًا بَصِيرًا ﴿۱۷﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ جَنَّاتُهَا ذَاتُ ثَمَرٍ مُتَسَاوِينَ يُرِيدُونَ جَنَّاتًا

لَهُ جَنَّاتُ يَصِلُهَا مِنْهَا مَوَاقِدُ خُورًا ﴿۱۸﴾

نورساختیم نشانه شب را وساختیم نشانه روز را درخشان (سبب دیدن اشیاء) تاطلب کنید فضلی را از پروردگار خود وتابدانید شمار سال هارا وبدانید حساب را وهرچیزی را بیان کردیم بتفصیل (۱۲).

وبهرآدمی متصل ساختیم نامه عمل اورا بسته درگردن او وبیرون آریم برای او روز قیامت نامه ای که بیندآن را بازکشاده (۱۳).

گوئیم بخوان نامه خودرا بس است نفس تو امروزبرتو حساب کننده (۱۴).

هر که راه یاب شد جزاین نیست که راه یاب میشود برای نفع خود وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که گمراه میشود برضرر خود وبرندارد هیچ بردارنده باردیگری را ونیستیم ماعذاب کننده تانکه فرستیم پیغامبری را (۱۵).

وچون خواهیم که هلاک کنیم دهی را می فرمائیم به سرکشان آنجایعنی آنچه خواهیم پس نافرمانی کنند آنجا پس ثابت شود برآن ده وعده عذاب پس برهم زنیم ایشان را برهم زدنی (۱۶).

وبساکس را هلاک کردیم ازطبقات مردمان بعدنوح وبس است پروردگار تو به گناه بندگان خود دانا بینا (۱۷).

هرکه خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا درآن جا هر چه خواهیم هر کرا خواهیم بازمقرر کنیم برای اودوزخ درآیدبان نکوهیده رانده شده (۱۸).

وهرکه بخواهد ثواب آخرت وسعی کند برای وی سعیی که لائق وی است و او مسلمان باشد پس این جماعت هست سعی ایشان مقبول (۱۹) .

هرفرقه را پی در پی میدهیم این فرقه را و آن فرقه را زبخشش پروردگار تو نیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده (۲۰) .

بین چگونه برتری داده ایم بعضی مردمان را بر بعضی^(۱) وهر آئینه آخرت زیاده تر بود در تمیز درجات و بیشتر باشد در برتری دادن (۲۱) .

مقرر مکن با خدا معبودی دیگر را آنگاه بنشیننی نکوهیده بی یارمانده (۲۲) .

و حکم کرد پروردگار تو که عبادت مکنید مگر فقط وی را و با پدر و مادر نیکوکاری بکنید اگر برسد نزدیک تو بکلان سالی یکی از ایشان یا هر دو پس مگوایشان را اُف و بانگ مزن برایشان و بگو با ایشان سخن نیکو (۲۳) .

و پست کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو ای پروردگار من بخشای ایشان را چنانچه پرورش دادند مرا در خورد سالی (۲۴) .

پروردگار شما داناستراست به آنچه در ضمیر شماست اگر باشید شایسته

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿۱۹﴾

كُلًّا مِّنْهُمُ قَوْمٌ وَهُوَ الَّذِي مَنَعَ عَمَّا يُرِيدُ وَإِن كَانَ عَظْمُ رَبِّكَ مُعْظُورًا ﴿۲۰﴾

أَنْظُرَ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَاللَّخْزَةُ الْكِبْرُوتِيُّونَ وَالْأَكْبَرُ تَضْيِيلًا ﴿۲۱﴾

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخَذُومًا وَلَا تُلَاقَ ﴿۲۲﴾

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلْتَقِبُوا ذِلَّةً عَلَىٰ الْآيَاتِ وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا يُبَلِّغُنَا عَنْدَكَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمْ أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آيَةٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۲۳﴾

وَإخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَحِمْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ أَخْرَجْتَهُم مِّنْ مِصْرَ عَسَاءً وَتَضَاعَفَتْ فِيهَا جُنُودُهُمْ فَأَخْرَجْنَاهُمْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ غَافِقِينَ ﴿۲۴﴾

رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صٰلِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْآذِينَ عَذَابٌ عَظِيمًا ﴿۲۵﴾

پس هر آئینه وی هست رجوع کنندگان
را آمرزنده (۲۵) .

وبده به خویشاوندان حق آن را وبه
درویش و براه گذر و اسراف مکن اسراف
کردنی (۲۶) .

هر آئینه اسراف کنندگان هستند برادران
شیاطین وهست شیطان به نسبت
پروردگار خود ناسپاس (۲۷) .

و اگر روبگردانی ازین جماعت بانتظار
رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن
باشی پس بگوایشان را سخن ملائم (۲۸) .

ومکن دست خود را بسته با گردن خود
ومگشای آن را تمام گشادن که آنگاه
بنشیننی ملامت کرده شده^(۱) در مانده
گشته^(۲) (۲۹) .

هر آئینه پروردگار تو می گشاید و تنگ
میکند روزی را برای هر که خواهد هر آئینه
اوبه بندگان خود دانا بیناست (۳۰) .

ومکشید اولاد خود را از ترس تنگ دستی
ما روزی میدهیم ایشان را و شمارا هر آئینه
کشتن ایشان هست گناهی عظیم (۳۱) .

ونزدیک مشوید به زنا هر آئینه آن بی
حیاتی است و بدراه است آن (۳۲) .

ومکشید نفسی را که حرام ساخته است
خدا مگر بحق و هر که کشته شود به ستم

وَابِذَ الْفَرْجِ حَقَّهُ وَالْيَسِيرِينَ وَالَّذِينَ السَّيِّئِينَ
وَلَا تُجَادِبُوا بِهِمْ ۝

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا الْغَوَّارَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ
لِرَبِّهِ كُفُورًا ۝

وَأَلَّا تَعْصِمُوا عَنْ مَعَاصِيَ أَهْلِيكُمْ مِمَّنْ دَرَبِكُمْ تَرْجُوهُمْ
فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا يَسُورًا ۝

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ
فَتَقْعَدَ مَوْتًا مَّحْمُورًا ۝

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ
خَبِيرًا بَصِيرًا ۝

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مَّنْ تَرْزُقُهُمْ
وَأَيُّكُمْ أَكْثَرٌ قَتَلَهُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيرًا ۝

وَلَا تَقْرُبُوا الرِّبَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ۝

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ

(۱) یعنی در صورت بخل .

(۲) یعنی در صورت اسراف .

پس داده ایم وارث اورا قوتی^(۱) پس باید که زیادتی نه کند درکشتن هر آئینه وی هست یاری داده شده (۳۳) .

ونزدیک مشوید بمال یتیم مگر به طریقی که او نیک است تاآنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد هر آئینه عهد پرسیده خواهد شدازو (۳۴) .

وتمام کنید پیمانہ را چون پیمانید وبه سنجید به ترازوی راست این بهترست و نیکوترست از جهت عاقبت (۳۵) .

ومرو بی چیزی که ترا دانش آن نیست هر آئینه گوش وچشم دل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شدازو (۳۶) .

ومرو درزمین خرامان^(۲) هر آئینه تو نخواهی شگافت زمین را ونرسی به کوه ها دردرازی (۳۷) .

همه این خصلت هاست بدفعلی آن نزد پروردگار توناپسندیده (۳۸) .

این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است بسوی تو پروردگار تو ازعلم ومقرر مکن باخدا معبود دیگررا آنگاه انداخته شوی دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته (۳۹) .

آیا برگزید شمارا پروردگار شما به پسران وخود برگزید ازفرشتگان دختران را

مَطْلُومًا فَتَدَّ جَمَلًا لِرَبِّهِ سُلْطَانًا فَلَا تَعْرِفُ فِي الْقَتْلِ
إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا ﴿۳۳﴾

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
أَشُدَّهُ وَآوُوا إِلَىٰ الْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿۳۴﴾

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَرُؤِيًّا لِّلْقِسَاطِ السُّنَنِيَّةِ
ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۳۵﴾

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿۳۶﴾

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا ﴿۳۷﴾

كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿۳۸﴾

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ
اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْفَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿۳۹﴾

أَفَأَصْفَقْتُمْ بِالْبَنِينَ وَالنَّجَارَةَ مِنَ الْبَنَاتِ إِنَّكُمْ
لَعَمْرُؤُنَّ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿۴۰﴾

(۱) یعنی حق قصاص .

(۲) یعنی متکبرانه ومغرورانه .

هر آئینه شما می گوئید سخن گران (۴۰) .

وهر آئینه بهر نوع سخن گفتیم درین قرآن
تاپند پذیر شوند ونمی افزایش درحق
ایشان مگر رمیدن را (۴۱) .

بگوا گر می بودند باخدا معبودان دیگر
چنانکه می گویند آنگاه طلب می کردند
بسوی خداوند عرش راه منازعت را
(۴۲) .

پاک است وی وبلند ست از آنچه می گویند
بلندی عظیم (۴۳) .

به پاکی یاد می کنند اورا آسمان های
هفت گانه وزمین وهرکه دراینهاست
ونیست هیچ چیزی مگر به پاکی یاد
میکنند باستائش او ولیکن شما نمی فهمید
به پاکی یادکردن ایشانرا هر آئینه هست
اوبردبار آمرزگار (۴۴) .

وچون میخوانی قرآن را میسازیم درمیان
تو ودرمیان آنانکه باورنمیدارند آخرت را
پرده پوشیده (۴۵) .

ومی نهیم بردلهای ایشان پوششها
تانفهمندش ودرگوش های ایشان گرانی را
وچون یادکنی پروردگار خودرا درقرآن
تنها روگردان شوند برجانب پشت
خودرمیده^(۱) (۴۶) .

مادانا تریم به چیزی که می شنوند بسبب

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ①

قُلْ لَوْ كُنَّا مَعَهُ الرَّهْمَةَ كَمَا يَقُولُونَ إِذْ أَلْتَبَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ مَنبِيئًا ②

سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ عَلَوًا كَبِيرًا ③

تَسْمِعُهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَلَيْسَ بِهِ عِدَّةٌ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ④

وَإِذْ أَقْرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ⑤

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَاعَلَىٰ آذَانِهِمْ نُفُورًا ⑥

عَنْ أَعْلُوهُمْ مَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْمَعُونَ الْبَيْكُ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ

(۱) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواظب .

إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَعْبُونَ إِلَّا جَلَسْنَا عَلَى سُرُورٍ ﴿۴۷﴾

آن^(۱) وقتی که گوش فرامیدهند بسوی تو و وقتی که ایشان رازگویان باشند وقتی که می گویند این ستم گاران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو شده را (۴۷) .

أَنْظُرُكُمْ بِفِعْلِ الْمَلَائِكَةِ لَقَدْ لَبِثْنَا عَلَى أَعْيُنِنَا جَهَنَّمَ لَمَّا جَاءَ آدَمَ بِالْحَبَرِ ﴿۴۸﴾

بنگر چگونه زدند داستان ها برای تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن (۴۸) .

وَقَالُوا لَئِنَّا لَكَ عِظَامًا وَرِقَابًا وَإِنَّا لَنَجْعَلُكُم بِهَا حُجًا مَّعْبُودًا ﴿۴۹﴾

و گفتند آیا چون شویم استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده آیا برانگیخته شویم بآفرینش نو (۴۹) . بگوسنگ شوید یا آهن شوید (۵۰) .

قُلْ لَوْ كُنْتُمْ عِزًّا أَوَّحِدِيًّا أَوْ حِدِيدًا ﴿۵۰﴾

یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت چه کسی باز پیدا کند ما را بگوسگی که آفرید شمارا اول بار باز پس خواهند جنبانید بسوی تو سر خود را^(۲) و خواهند گفت کی باشد آن بگوشاید که نزدیک باشد (۵۱) .

أَوْ خَلَقْنَا مِمَّا يَكْفُرُونَ صُدُورَهُمْ فَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ﴿۵۱﴾

روزی که خدا بخواند شمارا پس قبول کنید خواندن او را حمد گویان و گمان کنید که درنگ نه کرده بودید مگر اندکی (۵۲) .

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَتَطْمَئِنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۵۲﴾

و بگویند گان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی با کفار) هر آئینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هر آئینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا (۵۳) .

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ مِنَ النَّاسِ مَا كَانَ لِلنَّاسِ عَدَاوَةً بَاطِنَةً ﴿۵۳﴾

(۱) یعنی بقصد استهزاء و عیب جوئی .
(۲) یعنی ملزم خواهند شد .

پروردگار شما داناترست بحال شما اگر خواهد رحم کند شمارا و اگر خواهد عقوبت کند شمارا و نه فرستادیم ترا (یامحمد) برایشان نگاهبان^(۱) (۵۴) .

و پروردگار تو داناست بهره که در آسمان ها وزمین است و هر آئینه فضل دادیم بعضی پیغامبران را بر بعضی و دادیم داود را زبور (۵۵) .

بگو بخوانید آنان را که گمان الوهیت را دارید در حق ایشان بغیر از خدا پس نتوانند برداشتن سختی را از شما و نه تغییر دادن (۵۶) .

آنانکه ایشان را می پرستند کافران طلب میکنند بسوی پروردگار خویش قرب را که کدام يك از ایشان نزدیک تر باشد و توقع دارند رحمت او را و می ترسند از عذاب او هر آئینه هست عذاب پروردگار تو ترسناك (۵۷) .

و نیست هیچ دهی الا ما هلاك كنده وى ايم پیش از روز قیامت یا عذاب كنده وى ايم بعقوبت سخت هست این وعده در لوح نوشته شده (۵۸) .

و باز داشت ما را از آنکه بفرستیم نشانه ها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آن را پیشینیان و دادیم ثمود را شتر ماده نشانه درخشان پس کافر شدند بوی ونمی

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ يَبْتَغُونَ آيَاتِنَا لِيُعَذِّبَهُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ رِكْبًا ﴿٥٤﴾

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِي فَلَا يَمْلِكُونَ كِتَابَ الضَّرْعِ عَنْهُمْ وَلَا يَعْوِزُونَ ﴿٥٦﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ ذِكْرِ الْمَوْسِمَةِ إِنَّمَا أَقْرَبُ وَرَجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَ اللَّهِ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾

وَأَنَّ مِنْ قَرِيبٍ إِلَىٰ آخِرِ مَهْلِكِكُمْ أَقْبَلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبِهِمْ عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الَّذِينَ أَهْلَكُوا وَإِنَّا لَمُؤْتَدُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْجَرَةً فَلَمَّا هَمَّ بِهَا وَمَنْ نَبِيلُ بِالْآيَاتِ الْآخِرِينَ ﴿٥٩﴾

فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن
(۵۹) .

و یادکن چون گفتیم ترا که پروردگار تو
درببرگرفته است همه مردمان را (یعنی
در قدرت خود) و نه ساختیم نمایشی را
که نمودیم به تو مگر امتحان مردمان را
و نه ساختیم درختی را که نفرین کرده شد
در قرآن مگر امتحانی ومی ترسانیم ایشان
را پس نمی افزاید ترسانیدن در حق ایشان
مگر سرکشی بزرگ^(۱) را (۶۰) .

و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را سجده
کنید برای آدم پس سجده کردند الا
ابلیس گفت آیاسجده کنم کسی را که
آفریده ای از گل (۶۱) .

باز گفت آیدیدی این شخص را که برتری
داده ای بر من ا گر مهلت دهی مرا
تا روز قیامت البته از بیخ برکنم اولاد او را
الا اندکی (۶۲) .

خدا فرمود برو پس هرکسیکه پیروی تو
کند از ایشان پس دوزخ سزای همه
شماست سزای کامل (۶۳) .

و از جابجانبان هرکرا توانی از ایشان باواز
خود آواز کن بر ایشان توسط سواران
خود و پیادگان خود و شریک شوبایشان
در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را

وَاذْقَلْنَا لَكَ رَبَّكَ حَاطًا بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي ارْتَبَاكَ
اِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُوحُوا لَهُمْ قَابِوْهُمْ
اِلَّا عِيَانًا لِّكَبِيرًا ۝

وَاذْقَلْنَا لِبَلْعَامَ اِسْمُجُدُ وَالْاِدمَ فَسَجَدُوا اِلَّا اِبْلِسَ قَالَ
ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا ۝

قَالَ اَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي كُنتَ عَلَىٰ لَيْنٍ اَخْرَجْتَنِي يَوْمَ
الْقِيَامَةِ اَلْحَدِيكُنَّ ذُرِّيَّةً اِلَّا قَلِيْلًا ۝

قَالَ اَذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِن جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ
جَزَاءً مُّوَفُوْرًا ۝

وَاَسْتَفْزِرُّ مِنْ اِسْتَعْظَمَتْ مِنْهُمْ بِصُوْرَتِكَ وَاَجِيبْ
عَلَيْهِمْ بِحَيْثُوكَ وَرَجَلِكُ وَاَسْأَلُكَ فِي الْاَسْوَالِ وَالْاَوْلَادِ
وَعَدُّهُمْ وَاَيُّدُهُمْ الشَّيْطَانُ الْاَشْرُوْرًا ۝

(۱) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند و آیت (ان شجرة الزقوم طعام الاثیم)
بایشان رسید استبعاد کردند و محل طعن ساختند .

و وعده نمی دهد ایشان را شیطان مگر به فریب^(۱) (۶۴) .

هر آئینه بندگان من نیست ترا برایشان هیچ قدرتی و بس است پروردگار تو کارساز (۶۵) .

پروردگار شما آن ست که روان میکند برای شما کشتی ها را در دریا تا طلب معیشت کنید از فضل او هر آئینه او هست بر شما مهربان (۶۶) .

و چون برسد بشما سختی در دریا گم شود هر که او را میخوانید مگر خدا پس چون خلاص ساخت شمارا بسوی خشکی روگردان شدید و هست آدمی ناسپاس (۶۷) .

آیا ایمن شده اید از آنکه فروبرد شمارا به جانبی از خشکی یا بفرستد بر شما باد تندی که سنگ ریزه افکند باز نیاید برای خود هیچ نجات دهنده ای (۶۸) .

آیا ایمن شده اید از آنکه باز درآرد شمارا به دریا بار دیگر پس بفرستد بر شما از جنس باد باد تندی را پس غرق گرداند شمارا بسبب آنکه کافر شدید باز نیاید برای خود هیچ مواخذه کننده بر ما بسبب آن غرق (۶۹) .

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ وَكٰفِيّٰ بِرَبِّكَ وَكَيْلًا ۝۱۴

رَبُّكَ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْمَوْتَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعْتُمُو مِنْ فَضْلِهِ
إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ۝۱۵

وَإِذَا سَأَلَ الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّكَ مَنْ تَدْعُوْنَ إِلَّا آيَاتِهِ
فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُوْرًا ۝۱۶

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ الْأُخْرَى
عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرَ وَكَيْلًا ۝۱۷

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُبْعِدَكُمْ فِيهِ نَارًا أُخْرَى فَذُرِّبِلْ
عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ يُمْسِقُكُمْ فِيهَا لَقَمًا ثُمَّ
ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرَ عَلَيْهِ نَارُهُ يَتَّبِعًا ۝۱۸

(۱) مترجم گوید و این تصویر است سعی شیطان را درگمراه کردن ایشان ماخوذ از فعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند و سواران و پیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیرو از آن سو بگیر .

وهرائینه بزرگ ساختم فرزندان آدم را
 و برداشتم ایشان را در بیابان و در دریا^(۱)
 و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها
 و برتری دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه
 آفریده ایم برتری دادنی (۷۰) .

روزی که بخوانیم هرفرقه را با پیشوای
 ایشان پس هرکه داده شده نامه اعمال
 او بدست راستش پس آنجماعت بخوانند
 نامه خود را و ستم کرده نه شوند مقدار
 يك رشته (۷۱) .

و هرکه باشد در دنیا کور^(۲) وی در آخرت
 نیز کور است و خطا کننده تراست راه را
 (۷۲) .

وهرائینه نزدیک بودند که بفریب بازدارند
 ترا از آنچه وحی فرستاده ایم بسوی
 تو تا برندی بر ما غیر آن را و آنگاه دوست
 می گرفتند ترا (۷۳) .

و اگر نبود آن که ثابت داشتیم ترا نزدیک
 بودی که میل کنی بسوی ایشان اندک
 میلی (۷۴) .

آنگاه می چشاندیم ترا دوچند عذاب
 زندگانی و دوچند عذاب مرگ باز نمی
 یافتی برای خود مددکننده بر ما (۷۵) .

وهرائینه نزدیک بودند که بلغزانند ترا
 از زمین تا جلا وطن کنند ترا از آنجا و آنگاه

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْأَعْنَاقِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ
 الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنثَىٰ بِمَا آمَهَمُ قَبْلَ أَنْ تَكُنَ كَتِبَتْ يَمِينُهُ
 فَلْيَرْجُؤُنَّ كِئْسَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ
 وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝

لَنْ نَكْفُرَ بِالْغَيْبِيِّنَا عَنْ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
 لِتُنَبِّئَنَا عَلَيْهِمْ أَمْرًا إِذَا أَتَيْنَاكَ خَبِيرًا ۝

وَلَوْلَا أَنْ نَبِّئَنَّكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۝

إِذْ الْأَدْمُوكُ ضَعُفَ الطَّيْرُ وَضَعُفَتِ الْمَمَاتُ ثُمَّ لَا يَجِدُ لَكَ
 عَلَيْنَا نَصِيرًا ۝

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا
 رِذًّا الْأَبْيَاسُونَ خَلْقَكَ الْإِنْفِيلًا ۝

(۱) یعنی بردواب و کشتی .

(۲) یعنی حقیقت را نبیند .

نمانند پس از تو مگر اندکی (۷۶) .

(مانند) روش آنانکه فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از پیغامبران خویش و نخواهی یافت در روش ما تبدیلی را^(۱) (۷۷) .

برپا دار نماز را وقت زوال آفتاب تا هنگام تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر هر آئینه قرآن خواندن فجر را حاضر می شوند فرشتگان (۷۸) .

و پاره ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان بآن زیاده شده برای تو، نزدیک است که برساند ترا پروردگار تو بمقامی پسندیده^(۲) (۷۹) .

و بگوای پروردگار من در آرم مرا در آوردن پسندیده و بیرون آر مرا بیرون آوردن پسندیده و قراردی برای من از نزد خود قوتی یاری دهنده^(۳) (۸۰) .

و بگو آمد دین حق و نابود شد دین باطل هر آئینه باطل نابود شونده است (۸۱) .

و فرود می آریم از قرآن آنچه وی شفا و رحمت است مسلمانان را و نمی افزاید در حق ستمگاران مگر زیان را (۸۲) .

و چون انعام کنیم بر آدمی رو بگرداند و

سُبْحَانَ الَّذِي أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا نَجِدُ لِسْتِنَانًا لَهُ يَوْمَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٧٦﴾

اقْرَأِ الصَّلَاةَ إِذِ انبَسَجَتِ السُّنُوبُ إِلَى عَنَقِ الْيَتِيمِ وَالْقُرْآنِ الْعَجْزِيِّ
إِنَّ الْقُرْآنَ الْعَجْزِيَّ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٧﴾

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ بِحَمْدِ رَبِّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَجْهُودًا ﴿٧٨﴾

وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِكَ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٧٩﴾

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨٠﴾

وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ نَافِلَةً وَأَوْحَيْنَا لِمَنْ نَشَاءُ مِنَ الرُّسُلِ الْبَيِّنَاتِ
الَّذِينَ يُبَيِّنُ الْآيَاتِ لِلنَّاسِ وَأَلَّا يُزَيَّفُوا الظَّالِمِينَ الْكَاذِبِينَ ﴿٨١﴾

وَأَذِّنْ لِلنَّاسِ أَنَّ أَغْرَضَ نَبَأِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَمَّنَّا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ

(۱) مترجم گوید و این معنی روز بدر متحقق شد و جمعی که در پی ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند و آن کادوا) بجهت این گفته شد که وقت نزول آیت قصد لغزانیان داشتند و هنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند والله اعلم .

(۲) یعنی مقام شفاعت .

(۳) یعنی در حال اعانت کن مرا چه وقت دخول در جا چه وقت خروج از آنجا .

الْقُرْكَانَ يَوْمًا ⑤

قُلْ كُلٌّ يَجْمَعُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرِيضَةً أَعْلَمُ بِهَا
هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا ⑥

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الزُّوْجِ الَّذِي زُوِّجْنَا مِنْهُ آمُرَ بِهُ
وَمَا أَوْحَيْتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ⑦

وَلَكِن سُبْحَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَعَلَىٰكَ نَزَّلَهُ
لَا يَجِدُ لَكَ بِهِ عِلْمًا وَأَنْتَ الْكَلِيمُ ⑧

إِلَّا رَحْمَةً مِن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ لَكَبِيرًا ⑨

قُلْ لَوْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِنْسَانَ وَالْإِنْسَانَ عَلَيْنَ الْآلِثَمِ الْبِغْتَالُ هَذَا
الْقُرْآنَ لَا يَأْتُونَ بِيُنْبَاهٍ لَّوْكَانَ مِنْكُمْ لَبِغْتَالًا ⑩

وَلَقَدْ صَدَقَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَكَانٍ
قُلْ أَكْثَرُ النَّاسِ أَكْفُورًا ⑪

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ يَدَّبُّوْنَ ⑫

أَوْ كُنَّا لَكَ جَبَّةً مِّنْ نَّجْمٍ لِّمَنْ عَنِيبٌ فَتَعَجَّرَ
الْأَكْثَرُ جَلْهًا فَتَعَجَبُوا ⑬

أَوْتَوْعَطَ السَّمَاءَ كَمَا وَعَمَّتْ عَلَيْهَا كِسْفًا وَأَتَانِي بِاللَّهُ
وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ⑭

پیچاند بازوی خود را و چون رسد بوی
سختی ناامید باشد (۸۳) .

بگوهر کسی عمل میکند به روش خود
پس پروردگار شما داناترست بآنکه وی
یابنده تر بود راه را (۸۴) .

و سوال میکنند ترا از روح بگوروح
از فرمان پروردگار من است و شمانداده
شده اید از علم مگر اندکی (۸۵) .

و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده
ایم بسوی تو باز نیایی برای خود به سبب
وی بر ما کارسازی (۸۶) .

لیکن باقی گذاشتمش بسبب رحمتی از
جانب پروردگار تو هر آئینه فضل وی بر تو
بزرگ است (۸۷) .

بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه
بیارند مانند این قرآن هرگز نیارند مانند آن
اگر چه باشد بعضی ایشان بعضی را مدد
دهنده (۸۸) .

و هر آئینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان
درین قرآن از هر داستانی پس قبول نه کردند
بیشتر مردمان مگر ناسپاسی را (۸۹) .

و گفتند هرگز باور نداریم ترا تا آنکه جاری
کنی برای ما از زمین چشمه ای (۹۰) .

یاباشد ترا بوستانی از درختان خرما و
انگور پس روان کنی جویها در میان آن
روان کردنی (۹۱) .

یافرو داری آسمان را چنان که گمان
میکنی بر ما پاره پاره یا بیاری خدارا
و فرشتگان را رو برو (۹۲) .

یاباشد ترا خانه ای از زر یا بالاروی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن ترا تا آنکه فرود آری بر ما نوشته ای که بخوانیم آن را بگو پاک است پروردگار من نیستم من مگر آدمی فرستاده شده (۹۳) .

و باز داشت مردمان را از آنکه ایمان آرند وقتی که آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است (۹۴) .

بگوا گرمی بودند در زمین فرشتگان که می رفتند با اطمینان هر آئینه پیغامبر میفرستادیم برایشان از آسمان فرشته را (۹۵) .

بگویس است خدا گواه میان من و میان شما هر آئینه وی به بندگان خود دانای بیناست (۹۶) .

و هر که را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته و هر که گمراه سازدش نیابی برای ایشان دوستان بغیر از خدا و برانگیزیم ایشان را روز قیامت بر رویهای شان، کور و گنگ و کور جای ایشان دوزخ است هرگاه فرو نشیند بیفرائیم برایشان آتش را (۹۷) .

این است جزای ایشان بسبب آنکه کافر شدند به نشان های ماو گفتند آیا چون شویم استخوانی چند و اعضا از هم پاشیده آیا برانگیخته شویم بآفرینش نو (۹۸) .

آیا نه دیده اند آن خدا که آفرید آسمان ها و زمین را تواناست که بیآفریند مانند

أَوَلَمْ يَكُن لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْتِفٍ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُفَيْكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ مِمَّ جَاءَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا مَّرْسُولًا ﴿۹۳﴾

وَمَا مَعَهُ النَّاسُ أَنْ يُؤْمِرُوا إِذْ جَاءَهُمْ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا بَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا مَّرْسُولًا ﴿۹۴﴾

قُلْ لَوْ كُنَّا فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةً يَتَسَوَّنُ مَطْمَئِنِّينَ لَأَنزَلْنَا عَلَيْهُمُ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا مَّرْسُولًا ﴿۹۵﴾

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا لِّبَنِيِّ وَبَيْنَهُمُ آيَاتٌ كَانُوا يَسْتَادِمُونَ خَيْرًا بَصِيرًا ﴿۹۶﴾

وَمَنْ يُهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ يَهْدِيَهُمْ أُولَئِكَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبِلِهَامٍ وَصَمًا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿۹۷﴾

ذَٰلِكَ جَزَاءُ هُمُ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْبَيْتُ وَقَالُوا لَوْلَا إِذْ كُنَّا إِعْظَمًا وُرُقًا لَّمَّا رَأَيْنَا أَصْبَحُوا مُشْرِكِينَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۹۸﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ

أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَهُمْ أَجْلًا لَدَيْهِ فَيَذُرُ الْبَلَّ عَلَى الظَّالِمِينَ
إِلَّا كُفُورًا ﴿۹۹﴾

قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَعْلَمُونَ خَوَائِنَ نَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَا مَسَكْتُمْ
خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَشُورًا ﴿۱۰۰﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى سِمَةَ الْبَيْتِ بَدَيْتَ فَسَلَّ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَى مَدْيَنَ
فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَكْفُوكَ يَوْمَئِذٍ مُّسْحَرًا ﴿۱۰۱﴾

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ
وَإِنِّي لَأَكْفُوكَ يَوْمَئِذٍ مُّسْحَرًا ﴿۱۰۲﴾

فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿۱۰۳﴾

وَقُلْنَا مَنْ بَعْدَ بَلْعِ بْنِ إِسْرَائِيلَ اسْكُتُوا الْأَرْضِ فَإِذَا جَاءَ
وَعَدَ الْأَرْضِ حِينًا بَعْثًا لَكُمْ لِيُخْزِبَكُمْ ﴿۱۰۴﴾

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ مَا آتَيْنَاكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَتَنْزِيلًا ﴿۱۰۵﴾

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى حُكْمٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿۱۰۶﴾

ایشان را وساخته است برای ایشان میعادى که هیچ شبهه نیست در آن پس قبول نه کردند ستمگاران مگر انکار را (۹۹) .

بگو اگر می بودید شما مالک خزانه های بخشش پروردگار مرا آنگاه نیز بخیلی میکردید بترس آنکه همه خرج کنید و هست آدمی بخل کننده (۱۰۰) .

وهرآئینه دادیم موسی را نه نشانه روشن پس پیرس ازبنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت اورا فرعون هرآئینه می پندارم ترا ای موسی جادو کرده شده (۱۰۱) .

گفت هرآئینه تودانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم تراى فرعون هلاك شده (۱۰۲) .

پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را از آن سرزمین پس غرق ساختیم اورا وآنانرا که همراه او بودند همه یکجا (۱۰۳) .

وگفتم پس ازوی بنی اسرائیل را ساکن شوید درزمین پس چون بیاید وعده آخرت بیاریم شمارا همه باهم (۱۰۴) .

وبراستی فروفرستادیم قرآن را وبراستی فرودآمده است ونه فرستادیم ترا مگر مژده دهنده وترساننده (۱۰۵) .

وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وبدفعات فروفرستادیم

آن را فرورستاندنی (۱۰۶) .

بگوایمان آرید بآن یا ایمان نیارید هرآئینه
آنانکه داده شدایشان را علم پیش ازین
چون خوانده میشود برایشان می افتند
برروی خود سجده کنان (۱۰۷) .

و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآئینه
هست وعده پروردگار ماشدنی (۱۰۸) .

ومی افتند برروی خویش گریه کنان و می
افزاید قرآن درایشان فروتنی را (۱۰۹) .

بگو بخوانید خدارا یا بخوانید رحمن را
هر کدام که بخوانید خوب باشد پس
خدای راست نام های نیکو و این قدر
بلند مخوان نماز خودرا و این قدر پست
مخوان آنرا و بجوی میان این و آن را هی
(۱۱۰) .

وبگوستائش خدای راست که هیچ فرزند
نگرفته است و نیست اورا هیچ شریکی
درپادشاهی و نیست اورا هیچ کارسازی
بسبب ناتوانی و به تعظیم یادکن
اورا تعظیم کردنی (۱۱۱) .

سوره كهف مكی است وآن يك صد وده
آیت و دوازده ركوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

همه ستائش آن خدای راست که
فرورستاد بربنده خود کتاب و نه کرد
دروی هیچ کجی (۱) .

ساخت اورا راست تابترساند از عقوبت

قُلْ اِمُوْا بِهٖ اَوْ لَا تُوْمِنُوْا اِنَّ الَّذِيْنَ اٰتَوْا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا اِذَا
يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخْرُوْنَ لِاَذْقَانِ سَجْدًا ۝۶۰

وَيَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنْ كٰنَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا ۝۶۱

وَيَخْرُوْنَ لِاَذْقَانِ يَسْكُوْنَ وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا ۝۶۲

قُلْ اَدْعُوْا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوْا الرَّحْمٰنَ اَيًّا تَدْعُوْا قُلْ اِلٰهٌ
اَحَدٌ ۝۶۳ وَلَا تَحْمِلُوْا وِجْرٰتِكُمْ وَلَا تَحْفَافْتُمْ بِهَا
وَابْتَغُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۝۶۴

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَخْلُقْ وَلَدًا ۝۶۵ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ شَرِيْكٌ
فِي الْمَلٰٓئِكَةِ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ وَلٰٓئِيْمٌ مِنَ الدَّرَجٰتِ ۝۶۶ وَكَثِيْرًا ۝۶۷



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهٖ الْكِتٰبَ ۝۶۸ وَلَمْ يَجْعَلْ
لَهٗ عِوَجًا ۝۶۹

فَيَسْمَعُ الْبَيِّنٰتِ رِيسًا شَدِيْدًا ۝۷۰ اَمِنْ لَّدُنْهُ وُجُوْدُ الْمُوْنِسِيْنَ